

مطالعه طراحی پوشاک هویت محور عشایر بختیاری در کاربری جدید یکجانشینی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۳

کد مقاله: ۷۳۵۰۱

سحر عیدی^۱، فرانک کبیری^۲

چکیده

آشکارترین نشانه فرهنگی هر قوم و جامعه ای، پوشاک آن می باشد که ریشه در پابندی به سنت ها و باورهای مذهبی دارد. از این رو می توان بخشی از هویت هر قومی را در پوشاک آن جستجو کرد. پژوهش حاضر با هدف بررسی مولفه های هویت محور پوشاک عشایر بختیاری و طراحی پوشاک مبتنی بر مولفه های مذکور برای لباس اجتماعی جدید براساس زندگی و کاربری یکجا نشینی در جامعه امروز انجام گرفته است. چرا که لباسی با چنین قدمت و پیشینه با تغییر شرایط زندگی مردم، روبه فراموشی است. از این جهت ضرورت طراحی لباس امروزی با این محوریت مشخص تر می شود؛ و امید است بتوان برای مردمی که تغییر سبک زندگیشان موجب تغییر سلیقه در پوشاکشان شده، با طرحی جدید که بر اساس مولفه های هویتی پوشاک کهن بختیاری ها است، جایگزینی مناسب برای زندگی یکجا نشینی امروز ارائه کرد این پژوهش از نوع توصیفی _ تحلیلی می باشد و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز به صورت کیفی است. نتایج حاصل از این پژوهش با بررسی کارکرد های متنوع پوشاک در شرایط زندگی ایل بختیاری و مشخص کردن ابعاد هویتی در پوشاک این مردم نشان می دهد که تمام ابعاد هویتی پوشاک ایرانی در پوشاک عشایر بختیاری به چشم می خورد و قابلیت تعمیم در پوشاک امروزه با توجه به شرایط و کاربرد یکجا نشینی را دارد.

واژگان کلیدی: عشایر بختیاری، پوشاک، هویت، یکجانشینی، طراحی لباس

۱- کارشناسی ارشد طراحی پارچه و لباس دانشگاه علم و هنر یزد.

۲- استادیار گروه صنایع دستی دانشکده هنر و علوم انسانی فارس، دانشگاه شهرکرد.

۱- مقدمه

یکی از بارزترین نمود های عینی و ذهنی شناسایی و تمیز اقوام و ملل، پوشاک آنان است. پوشاک در رمز گذاری تولید و بیان خلاقانه معانی در جامعه، نقش مهمی را ایفا می کند. در آغاز، شکل گیری اجتماعات بشری و در جامعه های اولیه، پوشاک جنبه و نقش حفاظتی برای مصون نگه داشتن بدن انسان در برابر عامل های طبیعی، اقلیم و آب و هوا داشته است. با توسعه فعالیت های اجتماعی و فرهنگی در جامعه ها و شکل گیری عقاید دینی-مذهبی در ذهنیت مردم نوع رنگ، جنس، شکل و سبک دوخت تنپوشها زمینه و نقش فرهنگی یافت و کارکرد اجتماعی، فرهنگی و هویتی آن برجسته شد، بنابراین کیفیت لباس افراد، علاوه بر تطابق با شرایط اقتصادی، اجتماعی و اقلیمی آن جامعه، تابع جهان بینی و ارزش های حاکم بر فرهنگ و هویت ایشان نیز هست. پوشاک از جمله شاخصه های هویت فرهنگی اقوام بوده است. هویت یا پرسش از کیستی مهمترین دغدغه بشر بوده و یافتن پاسخ مناسب برای آن بسیار اساسی و مهم است. هویت ذات نیست، بلکه فرایند است و نه تنها امری قطعی و نهایی نیست، بلکه همواره در حال شدن است. از این رو علاوه بر بیان اجزاء هویتی ثابت و لایتغیر، می تواند در راستای سرشت پویای جامعه تغییر شکل داده و دارای معانی عینی و ضمنی متعدد شود.

در این پژوهش که برگرفته از رساله نویسنده با همین عنوان است، تلاش شده پوشاک مردان و زنان بختیاری به صورت مختصر معرفی شده، و کارکرد لباس ها در شرایط مختلف زندگی عشایر در گذشته بررسی شود و با پاسخ به سوالات اصلی پژوهش ۱- پوشاک مردان و زنان عشایر بختیاری دارای چه قطعاتی می باشد؟ ۲- ابعاد هویتی در پوشاک ایرانیان کدامند؟ و ۳- چگونه می توان هویت مند بودن پوشاک عشایر بختیاری را به اثبات رساند؟ به طراحی جدیدی متناسب با زندگی امروزه عشایر یکجانشین و با نظر به هویت این پوشاک ارائه داد.

۲- پیشینه

پیرامون پوشاک و هویت بختیاری تا کنون پژوهش های متعددی انجام شده است که در اینجا به تعدادی از آنها اشاره می کنیم: حاجب، انسیه، پوریاقری، رها (۱۳۹۰) در مقاله به مطالعه پوشاک سنتی قوم بختیاری و استفاده از مشخصه های آن در طراحی لباس های ایرانی اسلامی می پردازد هدف این پژوهش بررسی پوشاک سنتی قوم بختیاری و ایجاد مدهای ایرانی_ اسلامی با توجه به لباس و طرح های ناب بختیاری به منظور حفظ هویت ملی و شاخصه های قومی_ فرهنگی آن است. نتایج حاصله از این پژوهش به طراحی دو دست لباس یک دست مردانه و یک دست زنانه با توجه به لباس بختیاری منجر شد. مکوندی، سعید (۱۳۹۴) در بیان نامه خود به بررسی لباس مردان و زنان بختیاری و سیر تحول آن با رویکرد پسا استعماری پرداخته است، هدف اصلی این پژوهش، آشنایی با تغییرات و تحولاتی است که در پوشش زنان و مردان بختیاری در طول یک قرن گذشته صورت گرفته و همچنین شناخت اندیشه های قومی و بومی مردمان بختیاری است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد مرادات ایران در دوره قاجار و پهلوی و ورود سیاحان و شرکت های تجاری انگلیسی و حتی ورود پارچه های ساخت کارخانه های انگلیسی و فرانسوی در تغییر تدریجی لباس مردمان بختیاری چه از نظر دوخت، فرم، بافت، رنگ و حذف و اضافه شدن بعضی از عناصر تاثیر گذار بوده است. اسدی فارسانی، مجید (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان، نظام ساختاری پوشاک در ایل بختیاری به تشریح ساختار پوشاک و عناصر تشکیل دهنده آن در پس فرهنگ عشایر بختیاری می پردازد و نتایج حاصل از آن بیانگر این است که پوشاک در جوامع بختیاری جایگاهی فراتر از برآورده نمودن نیاز طبیعی دارد و نقش فرهنگ نسبت به طبیعت پررنگتر است. قاسمی قاسموند، یوسف (۱۳۹۶) در مقاله خود به بررسی و تحلیلی نقوش و تزیینات تن پوش مردان بختیاری به معرفی نقوش و تزیینات تن پوش مردان بختیاری و بررسی انواع آن پرداخته و هدف از انجام این پژوهش را ۱- بررسی و معرفی نقش و رنگ در هر یک از تزیینات پوشاک مردان بختیاری و ۲- شناسایی انواع تزیینات به کار رفته در تن پوش مردان بختیاری دانسته و نتایج حاصل از این تحقیق بیانگر آن است که اقلیم، فرهنگ، نوع معیشت و زندگی عشایر بختیاری به صورت مستقیم بر روی لباس و تزیینات آن ها تاثیر گذاشته است نتایج حاصله نشان می دهد که جوامع مختلف، تجربه های تاریخی خود را با سنت ها انباشته کرده اند که هر یک در شکل و شمابلی از اجزاء فرهنگی عمومی تصویر گرفته است و می توان با بررسی پوشاک رویارویی سنت و تجدد را به آشکار ترین صورت مشاهده کرد و این نیز در لباس زنان بختیاری نیز مشهود و واضح به چشم می خورد.

۳- معرفی عشایر بختیاری و پوشاک آن ها

به کسانی که به جامعه عشایری تعلق دارند، عشایر گفته می شود. جامعه عشایری شیوه زیستی متفاوت و جدای از شیوه زیست شهری و روستایی دارند. این جامعه عبارت است از جامعه انسانی نسبتاً خوداتکا و خودبسنده که ساخت اجتماعی قبیله ای دارد و

عموماً زندگی خود را از راه دامداری اداره می‌کنند. با تغییر فصول، عشایر معمولاً برای یافتن مراتع مناسب برای حیواناتشان محل زندگی خود را تغییر می‌دهند.

۳-۱- عشایر بختیاری

برای نخستین بار، نام ایل بختیاری در منابع صفوی آمده است. فردی بمانت ایرانشناس معاصر فرانسوی، اقوام ایرانی را بر حسب نام و توزیع جغرافیایی تقسیم کرده است (صالحی امیری، ۱۳۸۵). که نشان از قدمت تاریخی این قوم و سبک زندگی آنها دارد. عشایر بختیاری از مردمان ایرانی به‌شمار می‌آیند که در جنوب غربی ایران در استان‌های چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، لرستان، اصفهان و مرکزی زندگی می‌کنند (گارثویت، ۱۳۷۳). ایل بختیاری از دو شاخه چهارلنگ و هفت‌لنگ تشکیل شده است که چهارلنگ خود به ۵ باب و هفت‌لنگ به ۴ باب تقسیم می‌گردد. هر باب نیز از چندین طایفه تشکیل می‌شود. این تقسیمات که نمودار سازمانی ایل بختیاری خوانده می‌شود، به قرن شانزدهم میلادی بازمی‌گردد و بر مبنای نظام خاص طبقاتی و مالیاتی طوایف بختیاری سازمان یافته است (امان الهی بهداروند، ۱۳۹۳). محل سکونت بیلاق و قشلاق ایل چهارلنگ به دو بخش تقسیم می‌گردد:

بخش بیلاقی: یکی در محدوده شهرستان فریدن^۱ استان اصفهان تا شهرستان دورود^۲ استان لرستان و دیگری از شهرستان سمیرم^۳ استان اصفهان تا لردگان^۴ در استان چهار محال و بختیاری می‌باشد. بخش قشلاقی: یکی در محدوده شهرستان دزفول^۵ و دیگری در محدوده شهرستان ایذه^۶ و شهرستان رامهرمز^۷ در استان خوزستان می‌باشد.

محل سکونت ایل هفت لنگ نیز به دو بخش تقسیم می‌گردد: بخش بیلاقی: در محدوده شوراب^۸، تنگه گزی^۹ و دامنه‌های زردکوه تا اردل^{۱۰} به مرکزیت شهرستان‌های کوهرنگ^{۱۱} و چلگرد^{۱۲} در استان چهارمحال و بختیاری می‌باشد. بخش قشلاقی: در محدوده شهرستان اندیکا^{۱۳}، شهرستان مسجد سلیمان^{۱۴}، شهرستان گتوند^{۱۵}، شهرستان لالی^{۱۶} و به‌طور کلی بخش‌هایی از شمال خوزستان می‌باشد تحقیقات رومن گریشمن به عنوان یکی از اولین کسانی که در منطقه بختیاری به کاوش‌های باستان‌شناختی مبادرت ورزیده، حکایت از آن دارد که در عصر حجر میانه در کوهستان‌های بختیاری اقوامی می‌زیسته اند که به شیوه‌های ساخت سفال مسلط بوده اند (آهنجیده، ۱۳۸۴). با این شرایط سرزمین بختیاری یکی از مناطق مستعد و مناسب برای دامپروری و زندگی عشایری بوده است.

۳-۲- معرفی پوشاک عشایر بختیاری

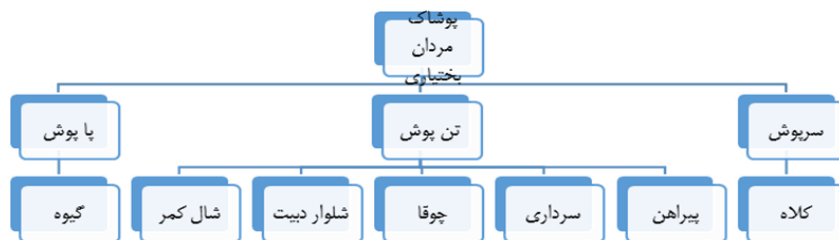
در جامعه‌های ایلی - عشیره ای یا جامعه روستایی - دهقانی سنتی ایران که مردم آنها در رفتارهای اجتماعی و فرهنگی و دینی از الگوهای مشترک و یکسانی پیروی می‌کنند، تن پوش‌های مردان و زنان این جامعه‌ها عموماً از لحاظ طرح و اسلوب دوخت و حتی جنس و رنگ، کم و بیش با یکدیگر همانند و یکسان اند. نوع فرهنگ برخاسته از شیوه معیشت کوچندگی و دامپروری و روستانشینی و کشاورزی در این جامعه امکان تنوع و تفنن در لباس و گزینش نوع و شکل و طرح لباس‌های مغایر با شیوه بومی و سنتی را از مردم گرفته و آنها را مقید به پیروی از هنجارهای معمول در پوشش سنتی یکسان کرده است (یارشاطر، ۱۳۸۳). مولفه‌های پوشاک عشایر بختیاری را می‌توان علاوه بر مردانه و زنانه بودن آنها در سه بخش سرپوش، تن پوش و پاپوش تقسیم بندی نمود.

۳-۳- پوشاک مردان بختیاری

پوشاک زنان و مردان بختیاری به سه بخش اصلی سرپوش، تن پوش و پاپوش تقسیم می‌شود که هر کدام زیر بخش‌های خود را دارند. سرپوش مردان بختیاری کلاه است، تن پوش آنها شامل پیراهن، سرداری، چوقا، شلوار دیت، پیراهن، شال کمر

- 1- Fereydan
- 2- dorood
- 3- Semrom
- 4- Lordegan
- 5- Dezfool
- 6- Izeh
- 7- Ramhormoz
- 8- Shoorab
- 9- Gaze
- 10- Ardal
- 11- Koohrang
- 12- Chelgerd
- 13- Andica
- 14- Masjed soleyman
- 15- Gotvand
- 16- Lali

می باشد و پاپوش ایشان معمولاً گیوه می باشد. پوشاک مردان ایل بختیاری دارای فرم منحصر بفردی است و علی رغم تحولات اندکی که در دوران قاجار تجربه نموده است اما نظام ساختاری خود را به عنوان بارزترین هویت ایلی مردان بختیاری حفظ کرده است (اسدی فارسانی، اشوری و دادشی، ۱۳۹۹). در اینجا توضیح مختصری درباره مهمترین قطعات پوشاک مردان بختیاری ارائه می شود.



شکل ۱- اجزاء پوشاک مردان بختيار

- **کلاه نمدی:** کلاهی از جنس نمد است که از پشم گوسفند به رنگ‌های مشکی، قهوه‌ای روشن و تیره و سفید تهیه می شود. در حال حاضر کلاه نمدی مشکی عمومیت دارد. از دهه دوم سده سیزدهم هجری قمری همه کلاه های یکدست سیاه شد (دیگار، ۱۳۵۳). امروز دونوع کلاه وجود دارد که هم از لحاظ رنگ و هم از نظر شکل تفاوت کلی دارد، کلاه خسروی (طاقی) سیاه رنگ و به شکل استوانه است. انتهای آن اندکی برآمده می باشد و از ارتفاع بطور محسوسی کم شده است (حدود ۱۲ سانتی متر است). این کلاه ها خاصه ی اشخاص مسن و خوانین است و حتی اگر این خوانین جوان باشند، این کلاه در پس سر یا برعکس در جلوی آن و به حالت کج تا آخرین حد گذاشته می شود و این آخرین حالت به رفتاری جنگی و پرخاشجویانه مربوط می باشد، شوکلاه^۱ یا شب کلاه را مرد های جوان، مجرد و اشخاص فقیرتر به سر می گذارند. این کلاه ها از یک نمد ضخیم تر ساخته می شوند که معمولاً رنگ آن قهوه ای خیلی روشن یا خیلی تیره است. شکل کلی آن نیم کره بوده و شکل سر رابه خود گرفته است این کلاه ها سر را در مقابل سرما و آفتاب حفاظت می کنند و چوپانان وقتی که شب ها می خوابند و سر را روی قطعه سنگی می گذارند با همین کلاه می خوابند به همین علت روی این نوع کلاه گذاشته شده است.



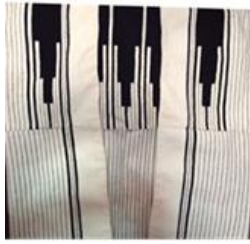
شکل ۲- کلاه نمدی [نگارنده]

- **پیراهن:** مردان بختيار پیراهنی از جنس کتان سفید و گاهی به صورت رنگا رنگ با آستین راسته است که قد متوسطی دارد. «پیراهن» مردان بختيار موسوم به پیراهن لری است.

- **سرداری^۲ (قبا):** بزرگان و خوانین بختيار اغلب بر روی پیراهن خود سرداری (شکل ۳) یا قبا می پوشند. سرداری مردان بختيار دارای آستین راسته و قد بلند است، که کمرش تنگ و در پشت، چین دارد و دامن آن گشاد می باشد. جنس سرداری مردان بختيار از پارچه های جنس مرغوب است و دو جیب در پهلوها دارد. این قبا که تا ساق پاها می رسد، آستین‌هایی بلند و نسبتاً تنگ داشت، جلوباز بود اما اغلب ردیف دکمه‌های لبه آن را تا بالا می بستند. جنس آن اغلب از پارچه‌های فرنگی و ماهوت سیاه، قهوه‌ای، جگری، آلبالویی و آبی تهیه می شد. یقه آن به اندازه یک بند انگشت و به صورت ایستاده و گرد و کمر آن به ویژه در پشت دارای کمرچین بود. دکمه‌های سراسری آن که در لبه دوخته شده بود اغلب فلزی و کاملاً مشخص و جزو زینت قبا به حساب می آمد.

- **چوقا^۳:** تن پوش مردان بختيار است. این لباس راسته و بلند، آستین ندارد و قد آن تا سر زانو ادامه دارد، از پشم گوسفند بافته می شود و دارای نقوش سیاه و سفید است که خطوط سیاه از بالا به پایین و خطوط سفید از پایین به بالا ادامه می یابد. فلسفه این تن پوش بختيار برای مینا است که در این بالا پوش جهت سیاهی که نماد نیروهای بد یمن است رو به پایین به منظور ریزش و افول این نیروهاست و سپیدی و روشنی جهت رو به بالا دارد که نشان از برتری نیکی و بالا آمدن تمامی نیروهای خوش یمن است .

1- Show kolah
2- Sardare
3- Cuqa



شکل ۴- چوقا [نگارنده]



شکل ۳- سرداری، شلوار دبیت، پیراهن، کلاه (البوم شخصی ایل زراسوند)

– **تنبان**^۱: نقش محوری در نظام پوشاک عشایر بختیاری دارد به گونه ای که در نظام ساختاری پوشاک بختیاری مهمترین مولفه محسوب می شود. برای مردان، این شلوار را از پارچه کتان سیاه می دوزند که آن را دبیت^۲ نیز می نامند. این نام برگرفته از نمونه پارچه مرغوب آن می باشد که در کارخانه ای به نام دبیت و در شهر انگلستان تولید می شد (دیگار، ۱۳۵۳) این شلوار برشی ساده دارد و عرض آن از پایین تا کمر، یکسره، پهن و در حدود نیم متر است.

– **شال**: مردان بختیاری مانند لرها و کردها، شالی به کمر می بندند که هم ساده و سفید آن وجود دارد و در بعضی موارد گل دار آن هم مورد استفاده قرار می گیرد. عرض این شال معمولاً ۳۵ تا ۴۰ سانتیمتر و طول آن ۲/۵ متر است.

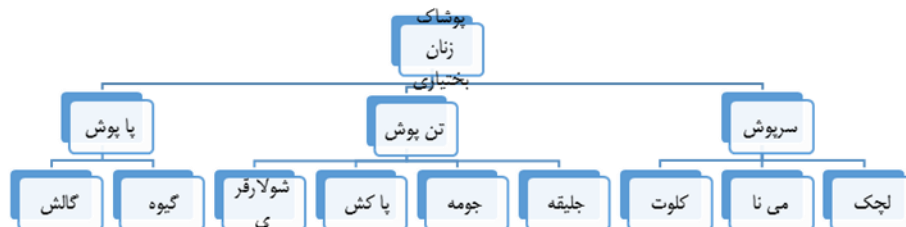


شکل ۵- گیوه [نگارنده]

– **پاپوش**: یکی از پاپوش های بختیاری ها گیوه^۳ نام دارد. گیوه نوعی کفش است که به رنگ سفید و دست دوز است. در تولید تمام بخش های آن از مواد طبیعی استفاده شده است. تخت آن از پارچه فشرده و روی آن را قلاب بافی سفید رنگ تشکیل می دهد. بهترین نوع گیوه، ملکی (شکل ۵) است که فرم نوک آن با حالت رو به عقب برگشته و کف آبی رنگش مشخصه ی بارز آن است.

۳-۴- پوشاک زنان بختیاری

همان طور که اشاره شد پوشاک زنان بختیاری نیز مانند پوشاک مردان به سه بخش اصلی سر پوش تن پوش و پاپوش تقسیم می شود و هر بخش دارای زیر مجموعه هایی است. سرپوش شامل لچک، می نا و کلوت، تن پوش شامل جلیقه، جومه، پاکش و شولار قر، پاپوش شامل گیوه و گالش می باشد و در ادامه به توضیح مختصری درباره اجزاء لباس زنان بختیاری اشاره شده است.



شکل ۶- اجزاء پوشاک زنان بختیاری (نگارنده)

– **لچک**^۴: کلاهی است که در زیر مینا^۵ قرار می گیرد و از پشت با سوزنی^۶ به مینا متصل می گردد. اندازه دقیق آن ۱۰ در ۲۵ سانتیمتر است. دو بند دارد که در زیر گلو بسته می شوند، گاهی اوقات نیز دو بند ۵ سانتیمتری در پشت کلاهک جهت نگه داشتن و محکم نمودن موهای بلند پشت تعبیه می شود، این دو بند مانع از عقب و جلو شدن لچک نیز می گردد (کبیری^۷، ۱۳۸۶)، و زیر لچکی به قسمت گره خورده آنان وصل می گردد، و تزئینات آن شامل انواع سکه های قدیمی، مروارید، سنگ و پولک است و انواع کوناگونی مانند الماس نما، ریالی، منجوق دوزی و ... دارد که رایج ترین آن ریالی می باشد که در آن از سکه های قدیمی استفاده می شود.

1- Tonban
2- Dabit
3- Giveh
4- Lachak
5- Meyna



شکل ۷- لچک و می نا سر پوش زنان بختیاری [سامانیان باقرصاد، ۱۳۹۵]

- **روسری:** روسری زنان بختیاری که مشهور به می نا است، پارچه ای کم عرض در حدود یک متر و طول سه متر و نیم دارد که از پارچه های نازک حریر مانند به رنگ های آبی، زرد، سرخ و بنفش است و آن را روی کلاهک بر سر می نهند. رنگ آن همیشه ساده بدون گل و بوته ولی رنگارنگ است. طول مینا را معمولاً چند بار پشت سر تا می زنند به طوری که چند لا می شود و یکبار آخرین قسمت می نا را در جلوی صورت از زیر چانه می گذرانند و گوشه آن را در لچک که در زیر می نا قرار دارد با سنجاق محکم می کنند. در این حالت روسری در پهنای خود بر روی سینه و جلوی بدن و همچنین در پشت سر و کمرگاه افتاده است و درازی بخش پایین می نا که برای قشنگی مملو از سکه های تزئینی است گرداگرد بدن در حدود کمرگاه جلوه گری می کند. همچنین رشته ای تزئینی متشکل از منجوق ها و سکه های تزئینی از زیر چانه می گذرانند و از دو طرف در بالا بر روی مینا و لچک محکم بند می کنند که به آن بند سیزن گفته می شود (حیدری نوروزی، ۱۳۸۵)

- **جلیقه^۱:** جلیقه را روی پیراهن می پوشند. از جنس مخمل است. این تنپوش بدون آستین بوده و قد آن کوتاه است و تا بالای کمر می باشد. رنگ جلیقه نیز شامل قرمز، سبز، زرد، صورتی، نارنجی، آبی و مشکی می باشد که با توجه به سن و تمکن مالی افراد دوخته و تزئین می شود (کبیری، ۱۳۸۶)

- **جومه^۲:** جومه در حقیقت، روان شده واژه جامه می باشد. جومه یا جوه پیراهنی است که از اجزاء اصلی پوشاک زنان بختیاری محسوب می شود. این پیراهن آستین بلند و مچی دارد که در پیش سینه اش چاک دار بوده و سه دکمه بر آن می دوزند، بالا تنه و دامنش صاف و بدون چین می باشد، بلندی آن تا زیر زانو می رسد و دو طرف پایین دامن آن را به اندازه ۲۰ سانتی متر چاک می دهند و بیشتر آن را از پارچه های زمینه سرخ و سبز و مشکی و سرمه ای گلدار می دوزند. بالا تنه این نوع پیراهن تا کمر ساده بوده دامن آن تا زیر زانو می رسد و چین های ریزی دارد و آستین هایش نیز بلند و ساده می باشند و تا پایین کمر می رسد.

- **شلوار قری^۳:** شلوار قری به صورت دامنی بلند و چین دار دوخته می شود. معمولاً برای تهیه آن از رنگ های شاد استفاده می گردد و نزدیک به ۱۰ متر پارچه (مخمل) می برد که آن را ۱۰ تخته کرده و به هم می دوزند، اصولاً در قسمت بالای این شلوار جداره ای به وجود می آورند و طناب باریکی و یا بندگی از میان آن جداره عبور داده و شلوار قری به وسیله همین بند و یا طناب باریک به کمر محکم بسته می شود. زنان عشایر در روزهای معمولی، دو عدد از این نوع شلوار می پوشد که در زیر آن نیز پاکش^۴ وجود دارد. پاکش شلواری است از پارچه ارزان قیمت معمولی که مانند زیر شلواری مردان دوخته شده و زیر شلوار قری به پا می کنند. رنگ پاکش ثابت و معمولاً مشکی انتخاب می شد (حیدری نوروزی، ۱۳۸۵).



شکل ۸- گالش [نگارنده]

- **گیوه:** زنان بختیاری از گیوه برای رفتن به مجالس و میهمانی استفاده می کردند و در خانه و هنگام کار از نوعی کفش لاستیکی به نام گالش^۵ یا روین^۶ استفاده می کردند. معمولاً در داخل آن از یک نوع روپوش پارچه ای بسیار نازک به نام مل استفاده می گردد (حیدری نوروزی، ۱۳۸۵).

۴- ارتباط کارکردی پوشاک بختیاری با زندگی عشایر

لباس عشایر بختیاری دقیقاً متناسب با کارکرد های زندگی کوچ نشینی ایشان طراحی و دوخته می شده است. در جشن ها مردان پیراهن زیر چوقا را از رنگ روشن و به خصوص رنگ اصلی سفید و در عزاداری ها از رنگ تیره استفاده می کنند، کلاه نیز معنا دار است. کلاه نشان سروری و بزرگی است. فرم کلاه استوانه ای شکل بختیاری به گونه ای است که چپ و راست یا عقب و

1- Jaligheh
2- Joomeh
3- Sholar_gare
4- Pakash
5- Galish_Galiesh
6- Ruen

جلو ندارد و با تغییر جای آن در موقعیت های مختلف ظاهر خود را حفظ میکند و مصرف کننده آن دغدغه ای در این خصوص ندارد. همچنین با توجه به نوع فعالیت و یا استراحت، در بخشهای مختلفی از سر قرار می گیرد که این امر در پایداری آن موثر است، موضوع کلاه از سر برداشتن به منزله از دست دادن بزرگ ایل است در این گونه مواقع، به جای کلاه دستمال سیاه به سر می بندند. وقتی کلاه به سمت پیشانی متمایل می شود نشان دهنده غم و اندوه است و در جشن ها به منظور فعالیت های بدنی همچون رقص و چوب بازی و ... کلاه را به سمت پشت سر متمایل می کنند. در پوشاک زنان نیز در هنگام عزاء همان ساختار با رنگ تیره و اغلب مشکی نمایان می شود. در عزا تزئینات استفاده نمی کنند و داشتن لباس نقش دار ممنوع است. معمولاً در هنگام کار و یا عزا دستمالی چهار گوش و تیره رنگ به نام کلوت^۱ روی می نا می بندند، زنان نیز با بستن کلوت حالت دست و پاگیر لچک و می نا را حذف می کنند و با اطمینان خاطر آماده فعالیت می شوند. چوقا نیز در حالت های مختلف قابل استفاده است به طوری که در حالت عادی، اگر فردی مشغول فعالیتی نمی باشد آن را بر روی شانه ها قرار می دهد و در حالت دوم دستها را از حلقه های آستین خارج می کند که این حالت در شرایط حرکت سریع و یا رقص و ... مطمئن تر است و نوع رسمی آن محسوب می شود. در شرایطی که بلندی چوقا باعث مشکل شود و یا هوا گرم باشد از ناحیه کمر به سمت بالا آن را تا می زنند که به دلیل نوع بافت و فشردگی چوقا، وضعیت خود را حفظ می نماید. تنبان نیز از این قاعده مستثنا نیست و تنوع فرمی مختلفی به خود می گیرد به گونه ای که در حالت عادی و رسمی آن حالتی صاف دارد که در ناحیه کمر با کمر بند بسته می شود. در حالت دیگر به منظور انجام فعالیتی که حالت پاچه های گشاد مانع از انجام آن کار شوند، پاچه ها را به سمت بالا جمع می نمایند و در زیر کمر بند قرار می دهند و گاهی بنا بر نیاز، یکی از پاچه ها را بدین گونه جمع می کنند. زمانی که محدوده کمتری پایین پا درگیر فعالیتی باشد و بنا بر خواست مرد عشا بر نیاز به جمع شدن آن باشد در قسمت زیر کمر، از هر دو طرف به سمت مرکز، تا می زنند و سپس به سمت بالا در زیر کمر بند قرار می دهند که در این حالت فرم هشتی شکلی در قسمت دم پا ظاهر می شود. در نمونه های دیگر، به طور جداگانه برنظام ساختاری پوشاک در روی هر پا، مقداری از تنبان را به سمت بالا می کشند و در زیر کمر بند قرار می دهند که هر کدام مزیتی برای پوشیدن تنبان دارد. در خصوص تنبان زنان نیز با توجه به حرکت در مسیرهای سخت و ناهموار، استفاده از دو تنبان یا بیشتر بر روی هم کاربرد چندگانه دارد. بخش رومی از مرغوبترین جنسهای پارچه است و برای محافظت و حتی تمیز نگه داشتن آن، در هنگام حرکت به سمت بالا تا زده و در این حالت تنبان زیر مورد استفاده است. در این صورت هر گونه آسیبی شامل حال تنبان اصلی نمی شود و علاوه بر آن سرعت عمل نیز بالاتر می رود (دیگار، ۱۳۵۳).

۵- هویت

همان گونه که مشخص شد، پوشاک بختیاری دارای قطعات ثابت با دیرینه ای بسیار است که نمایشی از هویت این قوم می باشد. در اینجا لازم است مفهوم هویت و نماد های آن در پوشاک بختیاری بیان شود: واژه هویت^۲ ریشه در زبان لاتین دارد و دارای دو معنای اصلی است: اولین معنای آن، بیانگر مفهوم تشابه مطلق است (این با آن مشابه است)؛ معنای دوم آن به معنای تمایز است که مرور، سازگاری و تداوم را فرض می گیرد؛ به این ترتیب مفهوم هویت به طور همزمان میان افراد و یا اشیاء دو نسبت محتمل برقرار می سازد، از یک طرف شباهت و از طرف دیگر تفاوت (تاجیک، ۱۳۸۴). هویت از عناصر گوناگونی تشکیل شده که در ساختار آن نقش مهمی دارند. این مؤلفه ها متعدد و متفاوت، در کنار یکدیگر بنیان هویت ملی و قومی را شکل می دهند و عبارتند از: دین، زبان، جغرافیا، تاریخ اسطوره ها یا واقعیت، میراث سیاسی دولت، میراث فرهنگی و ادبی و ... هویت های قومی و ملی دو دستاورد جوامع انسانی است که در مراتب مختلف از یک فرایند قرار دارند که هریک تعلق خاطر افراد را در مرتبه های متفاوت به جامعه مشابهین خود نشان می دهند. هویت قومی خرد ترین و شاید ملموس ترین سطح تعلق به فرهنگ مشترک است شامل ریشه ها و تاریخ مشترک، آداب و رسوم و زبان مشترک، و به طور کلی شیوه های زندگی مشترک برای گذراندن زندگی روزانه (فکوهی و آموسی، ۱۳۸۸). هویت به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی است، این عناصر و نمادها که سبب شناسایی و تمیز می شوند عبارتند از بعد اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، دینی، فرهنگی و زبانی (توسلی و قاسمی، ۱۳۸۱)

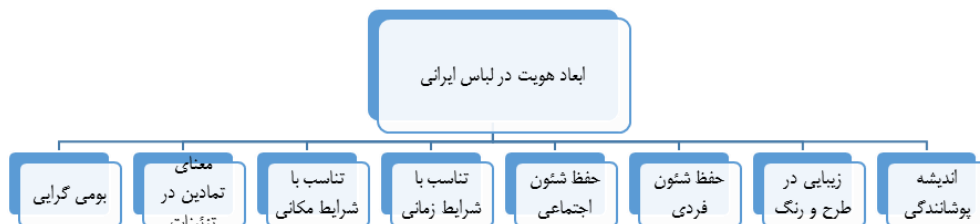
عده ای مطابق با جهان بینی خودشان درباره هویت می اندیشند و برخی نیز بر این اعتقادند که هویت در درجه نخست یک مبحث جغرافیایی - سیاسی و مربوط به چگونگی پیدایش و بقای یک ملت می باشد. مردم نه تنها با نام و نام خانوادگی بلکه با مشخصات زمینی که در آن به دنیا آمده و زندگی می کنند نیز شناخته می شوند. اوضاع جغرافیایی از طریق تأثیر بر فرهنگ و آداب و رسوم مردم، به میزان زیادی بر تمدن ها و پیشرفت آنها اثر می گذارد (فکوهی و آموسی، ۱۳۸۸). هویت چهارچوبی واقعی است که به فرد و گروه کمک می کند تا درباره موضوعها داوری کنند و آنها را خوب، ارزشمند و تحسین برانگیز معرفی

1- Kalout
2- Identity

نمایند. اگر این چهارچوب و افق وجود نداشته باشد، تصویر فرد از خود و دیگران مخدوش می‌گردد (نصری ۱۳۷۸). هویت یا کیستی به مجموعه نگرش‌ها، ویژگی‌ها و روحیات فرد و آنچه وی را از دیگران متمایز می‌کند، گفته می‌شود و عبارت است از مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، روانی، فرهنگی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسان که به رسایی و روایی بر ماهیت یا ذات گروه، به معنای یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر دخالت کند و آنها را در یک ظرف مکانی و زمانی معین به‌طور مشخص و قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه‌ها و افراد متعلق به آن‌ها متمایز سازد (نجفی، ۱۳۹۲). هویت ذات نیست بلکه فرایند است و نه تنها امری قطعی و نهایی نیست، بلکه همواره در حال شدن است (حیاتی ۱۳۸۶). مبنای پایه هویت خویشتن بستگی تام به ارتباط و گفت و گو با دیگری دارد. در جستجوی دیگری بودن البته به معنای جستجوی اصل خویش و به تعبیری، یافتن خود در آینه‌های دیگری نیز معنی می‌دهد. طبق نظریه هایدگر زمانی به کارکرد شیء توجه می‌شود که آن شیء از عمل بازمانده و نقضی در آن پدید آید (مگی ت فولاند ۱۳۷۳). طبق این نظریه، انسان در تضاد با دیگری خود را می‌شناسد و چیستی را عمیقاً درک می‌کند. بدین رو هویت خود و دیگری در تقابل با یکدیگر معنا دار می‌شوند. اگر مفهوم هویت در میان یک گروه و ملت معلوم باشد، اولاً افراد احساس اعتماد به نفس می‌کنند و ثانیاً جامعه جهت و هدف خود را مشخص می‌بیند. پس هویت محصول خودشناسی فردی و گروهی است (رجائی، ۱۳۸۶). هویت دارای اقسامی است و به تناسب پدیده‌هایی که انسان از طریق آن‌ها خود را می‌شناسد و به دیگران می‌شناساند، می‌توان هویت داشت. بنابراین، هویت می‌تواند دارای پسوندهایی چون فرهنگ، قومیت، ملیت و دین باشد. عناصر و مولفه‌های سازنده هویت، بخشی ایستا و ثابت (ذاتی) و بخشی متغیر و پویا (عرضی) هستند. بخش ثابت هویت در طی زمان، یگانگی فرد و ارزش‌های متعالی اوست که تغییر نمی‌پذیرد و بخش پویای آن، با تحولات و دگرگونی‌های فناوری و دانش تغییر می‌یابد.

۶- مولفه‌های هویت محور در پوشاک بختیاری

همان گونه که بیان شد، یکی از عناصر هویت ساز برای انسانها، پوشاک مورد استفاده ایشان است که خود وابسته به شرایط جغرافیایی، فرهنگی، آداب و رسوم و ... می‌باشد. بر اساس نظر مونسی سرخه، ابعاد هویت در پوشاک ایرانی شامل هشت بعد است در نمودار زیر نمایش داده شده است (شکل ۹).



شکل ۹- نمودار ابعاد هویتی در پوشاک ایرانی [مونسی سرخه، ۱۳۹۵]

رعایت اندیشه پوشاندگی: اندیشه پوشاندگی از ابتدا در میان ایرانیان وجود داشته به گونه‌ای که واژه ایران به معنای سرزمین مردمان نجیب می‌باشد. پس از ظهور دین مبین اسلام از دستورات دین اسلام و آداب سنتی و فرهنگی ایرانیان بوده است به طوری که در آیات سوره احزاب و نور تاکید فراوان بر پوشش شده و همچنین آمده است: به زنان مومن بگوئید دیدگان خویش فرو خوابانند و دامن خویش آشکار نکنند و سرپوش بر گریبان بیندازند. اندیشه پوشاندگی لباس بختیاری برگرفته از فرهنگ کهن ایرانی -اسلامی است بطوری که در لباس زنان بختیاری آستین داشتن و گشاد بودن لباس و البته استفاده نکردن از پارچه‌های بدن نما و نازک و همچنین لایه لایه پوشیدن لباس، پوشیدن هم زمان پاکش و شولارقری روی آن برای زنان در راستای اندیشه پوشاندگی است و البته در لباس مردان همین نکات به چشم می‌خورد یعنی گشادی لباس، آستین دار بودن و لایه لایه پوشیدن لباس که البته چوقا با این که آستین ندارد ولی حتماً با یک پوشش زیری آستین دار استفاده می‌شود و همان لایه لایه بودن پوشش در جهت رعایت اندیشه پوشاندگی است.

زیبایی در طرح و رنگ: زیبایی یک مفهوم پیچیده، فلسفی و انتزاعی است که از ویژگی‌های وجودی انسان سرچشمه می‌گیرد و باعث احساس لذت و ایجاد رضایت در فرد می‌شود و معنایش در گذر زمان تغییر می‌یابد و مولفه‌های آن متفاوت است. برای مثال مولفه‌های آشکار شدن زیبایی در پوشاک، طرح و رنگ است. به همین دلیل لباس‌های ایرانی تحت تأثیر جغرافیای خاص سرزمین ایران معمولاً از رنگ‌های بسیار زیبا و خالص همچون قرمز، بنفش و نارنجی و دیگر رنگ‌های طبیعی سود برده‌اند و البته این تنوع رنگ در مراسم و آیین‌های مختلف تغییر می‌کند. انتخاب عامدانه تنوع رنگی در لباس زنان و عدم استفاده از رنگ در لباس مردان بختیاری، ذهن مخاطب را به طور مستقیم متوجه اهمیت فرهنگی لباس در برابر ویژگی حفاظتی یا طبیعت‌گرایی

آن می کند. نکته قابل توجه در این بخش، ثابت بودن نظام ساختاری پوشاک عشایر بختیاری است که علی رغم آن، مفاهیم و نشانه های قراردادی در جایگزینی رنگ و یا تغییر وضعیت استفاده از هر مولفه، بیانی متفاوت می یابد. مهمترین تقسیم بندی در این قسمت، مربوط به جشن و عزا است. در درجه اول لباس ها هستند که با نظام ساختاری مشترکشان همبستگی و انسجام ایلی را به نمایش می گذارند. زنان در عزا، همان ساختار با رنگ تیره و اغلب مشکی نمایان می شوند. همان گونه که گفته شد در عزا تزئینات استفاده نمی کنند. معمولا در هنگام کار و یا عزا کلوت روی مینا می بندند. در جشن ها و هنگام برگزاری رقص محلی دستمال بازی با لباس های رنگارنگ و زیورآلات مخصوص شرکت می نمایند. در جشن ها، مردان، پیراهن زیر چوقا را از رنگ روشن و به خصوص رنگ اصلی سفید و در عزاداری ها از رنگ تیره استفاده می کنند.

حفظ شئون فردی و اجتماعی حفاظت از شأن فرد، با ارزش گذاری به بدن، حفظ حرمت و شأن بشر و رعایت عفت و پاکدامنی شخص در پوشاک بختیاری با استفاده از پارچه های ضخیم مانند مخمل و پارچه دبیت برای تنبان و پوشش سر لچک و مینا برای زنان و انواع کلاه برای مردان تجلی پیدا کرده است. شئون اجتماعی لباس عشایر بختیاری متناسب با نوع تفکر بومی و ملی از قبیل رعایت کارکرد های آن در شرایط اقتصادی و اجتماعی دوخته و استفاده می شود. به گونه ای که مثلا ارتفاع و رنگ کلاه مردان، نماینگر جایگاه اجتماعی فرد استفاده کننده از کلاه می باشد. پوشاک در بین این مردم به نحو بارزی تعیین کننده ی طبقات اجتماعی موجود است.

استفاده صحیح لباس متناسب با کاربری آن جنس پارچه ی البسه که منجر به تفاوت قیمت آن می شود، روش تهیه و نوع بافت، تعداد، نحوه ی پوشش و ظاهر آراستگی پوشاک و ... هر کدام از این موارد، استفاده کنندگان ساکن در این جامعه را از هم دیگر متمایز می کند. چنان که در بعضی موارد پوشش یک پوشاک اختصاص به طبقه ای خاص دارد و استفاده از آن برای سایر طبقات منع می شود برای مثال مردان بختیاری دو نوع کلاه دارند که هم از لحاظ رنگ و هم از نظر شکل تفاوت کلی دارد.

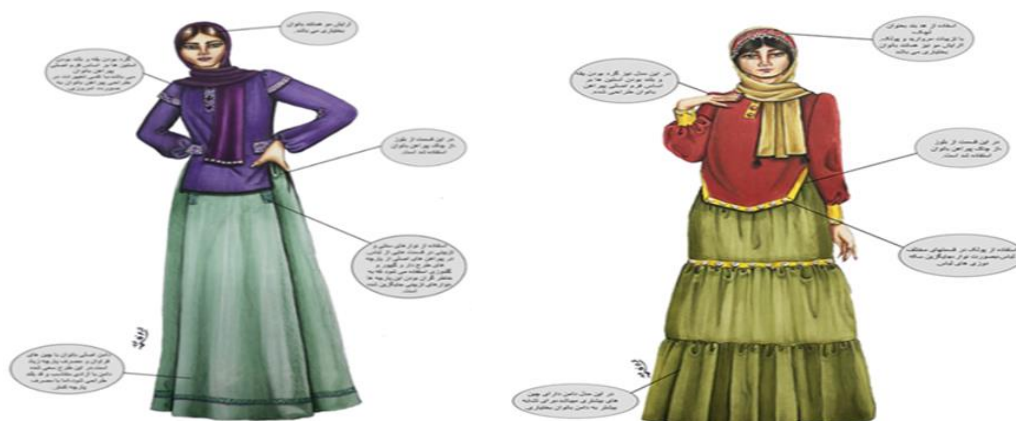
تناسب با شرایط زمانی و مکانی: تناسب زمانی یعنی همسویی نوع، رنگ، اندازه لباس و جزئیات آن با شرایط زمانی استفاده کننده از پوشاک است. نحوه استفاده از پوشاک زنان و مردان بختیاری در زمان های گوناگون، بایکدیگر فرق می کند. مثلا زمان های مرتب با فصل یا آداب و رسوم خاص، موجب می شود ایشان از پوشاک متفاوتی استفاده کنند. تعداد، اندازه و نوع پوشاک در زمستان و تابستان متفاوت است. به هنگام عزا و عروسی و در کل مراسم سوگ یا شادی، استفاده از پوشاک تفاوت پیدا می کند که در مباحث قبلی به آن پرداخته شده است. تناسب با شرایط مکانی موقعیت قرار گیری فرد در مکانهای گوناگون، موجبات تنوع استفاده از پوشاک را فراهم می نماید. مثلا قرار داشتن در مکانی سرد یا گرم، سنگلاخ یا هموار، عروسی یا عزا و ... موجب می شود تا تعداد، رنگ و نوع استفاده از پوشاک تغییر یابد. به عنوان مثال نحوه استفاده از کلاه خسروی، کلاه ها سر را در مقابل سرما و افتاب حفاظت می کنند و چوپانان وقتی که شب ها در هنگام خواب که سر را روی قطعه سنگی می گذارند باهمین کلاه می خوابند. چوقا نیز در حالت های مختلف قابل استفاده است به طوری که در حالت عادی، اگر فردی مشغول فعالیت نمی باشد آن را بر روی شانه ها قرار می دهد و در حالت دوم دستها را از حلقه های آستین خارج می کند که این حالت در شرایط حرکت سریع و یا رقص و ... مطمئن تر است و نوع رسمی آن محسوب می شود. در شرایطی که بلندی چوقا باعث مشکل شود و یا هوا گرم باشد از ناحیه کمر به سمت بالا آن را تا می زنند که به دلیل نوع بافت و فشردگی چوقا، وضعیت خود را حفظ می نماید. تنبان نیز از این قاعده مستثنا نیست و تنوع فرمی مختلفی به خود می گیرد به گونه ای که در حالت عادی و رسمی آن حالتی صاف دارد که در ناحیه کمر با کمر بند بسته می شود. در حالت دیگر به منظور انجام فعالیتی که حالت پاچه های گشاد مانع از انجام آن کارشوند، پاچه ها را به سمت بالا جمع می نمایند و در زیر کمر بند قرار می دهند. در خصوص تنبان زنان نیز با توجه به حرکت در مسیرهای سخت و ناهموار استفاده از دو تنبان یا بیشتر بر روی هم کاربرد چندگانه دارد. بخش رویی از مرغوبترین جنسهای پارچه است و برای محافظت و حتی تمیز نگه داشتن آن، در هنگام حرکت به سمت بالا تا زده و در این حالت تنبان زیر مورد استفاده است. در این صورت هر گونه آسیبی شامل حال تنبان اصلی نمی شود و علاوه بر آن سرعت عمل نیز بالاتر می رود.

معنای نمادین در فرم، نقش، رنگ و تزئینات: رنگ لباس، فارغ از جنس پارچه در حالت عادی و متناسب با موقعیت زمانی حتما باید رنگی شاد و فرح بخش باشد. اگرچه پوشیدن لباس های تیره در دوران سوگواری امری مرسوم و عادی است، اما به جز آن عشایر ترجیح می دهند به جای تغییر رنگ لباس، طرح البسه ای که می پوشند را تغییر دهند. رنگهایی که استفاده از آن ها حین دوخت لباس مرسوم است، هر کدام نماد پدیده خاصی است که خاستگاه همه این پدیده ها طبیعت است. تنوع در انتخاب رنگ لباس در زنان بختیاری بیشتر خودنمایی می کند اما در لباس مردان بختیاری عمدتا از دو رنگ سفید و مشکی استفاده می شود که این رنگ ثابت از زمان پهلوی که چوقا به عنوان پوشش رسمی مردان بختیاری در نظر گرفته شده قوت گرفت. قبل از آن خوانین به جای چوقا از سرداری استفاده می کردند که تنوع رنگ بیشتری داشته اما بازم از رنگ هایی مانند سبز تیره، آبی تیره، قهوه ای و ... استفاده می شده که باز هم الهام گرفته از طبیعت بوده اند. در طرح سیاه و سفید چوقا نیز علاوه بر اینکه یادآور زیگورات

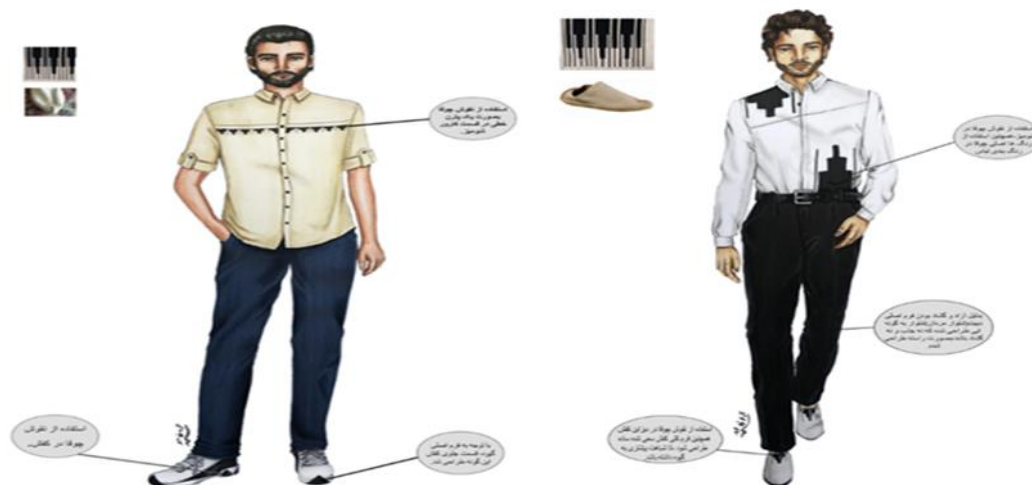
چغازنبیل، مقبره کوروش و فرم های به کار رفته در تخت جمشید می باشد، تداعی کننده مبارزات نیروهای اهریمنی و مینوی، یکدیگر است و مبین آموزه های دین زرتشت و نهایتاً پیروزی نیکی بر بدی و غلبه اهورا بر اهریمن و سیددی بر تاریکی است. بومی گرایی در طراحی لباس، پارچه و دوخت: در عشایر بختیاری از این نظر پوشاک سنتی به دو دسته تقسیم می شوند، نمونه اول که مواد اولیه آنها به وسیله خود عشایر فراهم می شود، بیشتر جنبه خود کفایی دارند و از تولیدات دامی خانوارها تهیه می شوند که شامل کلاه مردانه، چوقا، گیوه و شال کمر و پیراهن مردانه برای مردان و گلدوزی و سوزن دوزی لچک و گیوه برای زنان می شود. نمونه دوم، بخش هایی از پوشاک است که مواد اولیه آنها وارداتی هستند مانند جوه، تنبان و می نا. در اینجا منابع تامین در بخش اول متکی بر دامپروری است که از گذشته بخش عمده و اصلی تامین پوشاک مردان بختیاری بوده است که از آن جمله باید به پشم گوسفند، موی بز و چرم یا پوست گاو اشاره نمود (اسدی فارسانی و آشوری، ۱۳۹۵).

۷- پیشنهادات

از آنجایی که پوشاک عشایر بختیاری کلیه مولفه های پوشاک هویت محور را دارند و با توجه به تغییر سبک زندگی عشایر کوچ رو و یک جانشین شدن بیشتر آنان، لزوم حفظ و حراست از این میراث عظیم و جلوگیری از نابودی آن ها وظیفه پژوهشگران و صاحب نظران می باشد. از آنجایی که یکی از راه های حفاظت از اداب و رسوم، میراث فرهنگی و صنایع دستی یک ملت، به روز رسانی آن ها می باشد، پیشنهاد می شود پوشاکی متناسب با زندگی یکجا نشینی امروزی و با رویکرد هویت محور و با عنایت به ویژگی های پوشاک عشایر بختیاری طراحی، اجرا و در بازار ارائه شود تا موجبات تداوم زیست پوشاک هویت محور بختیاری را فراهم شود، از این رو با توجه به بررسی کارکرد پوشاک بختیاری ها و بررسی عناصر هویت محور پوشاک بختیاری و با توجه به فرم اصلی پوشاک بختیاری شامل برش، رنگ، لباس های متنوع و بروزی که متناسب با کارکرد یکجا نشینی باشد طراحی شده است که در زیر و در نتیجه پژوهش انجام شده حاصل شده است (تصاویر ۱۰ تا ۱۳).



شکل ۱۰- پوشاک زنانه طراحی شده بر اساس المان های پوشاک زنان بختیاری [نگارنده]



شکل ۱۱- پوشاک مردانه طراحی شده بر اساس المان های پوشاک مردان بختیاری [نگارنده]



شکل ۱۳- پوشاک بچه گانه طراحی شده بر اساس المان های پوشاک مردان بختیاری [نگارنده]



شکل ۱۲- پوشاک بچه گانه طراحی شده بر اساس المان های پوشاک زنان بختیاری [نگارنده]

۸- نتیجه گیری

قوم بختیاری مانند سایر اقوام ایرانی در درجه اول به کارکرد پوشاک و اصول اعتقادی خود در پوشش اهمیت می دهند و در درجه دوم شرایط اقلیمی و آب و هوایی را برای پوشش خود مد نظر قرار می دهند، علاوه بر این هویتی که بر جامعه حکم فرما است نیز بر پوشش این قوم و سایر اقوام ایرانی تاثیر گذار است. لازم به ذکر است که در تمام موارد مذکور، زیبایی همواره در طول مولفه های ذکر شده وجود دارد و جزئی جدایی ناپذیر از پوشاک عشایر بختیاری است. پوشاک عشایر بختیاری را می توان به سرپوش، تن پوش و پا پوش تقسیم بندی و معرفی کرد، و این تقسیم بندی برای مردان شامل هفت جزء (کلاه، پیراهن، سرداری، چوقا، شلوار دبیت، شال کمر و گیوه)، و برای زنان شامل نه جزء (لچک، مینا، کلوت، جومه، جلیقه، شولارقری، پاکش، گیوه، گالش) می باشد. در پوشاک عشایر بختیاری هشت بعد هویتی که به آن اشاره شد (رعایت اندیشه پوشاندگی، عنصر زیبایی در طرح و رنگ، حفظ شئون فردی و اجتماعی، تناسب با شرایط زمانی و مکانی،-معنای نمادین در فرم، نقش، رنگ و تزئینات و بومی گرایی در طراحی لباس، پارچه و دوخت) وجود دارد که می توان به آستین داربودن تمام البسه، لایه لایه پوشیدن لباس ها، استفاده از پارچه های ضخیم برای دوخت پوشاک، تنوع رنگ لباس زنان در مقابل دو رنگ مشکی و سفید مورد استفاده در لباس مردان، قابلیت تغییر حالت البسه در تناسب با شرایط زمانی و مکانی متفاوت و استفاده از رنگ تیره در مراسم عزا و رنگ روشن در مراسم عروسی و روزهای عادی با حفظ اصول اصلی لباس بختیاری که از ویژگی های کارکردی و هویتی پوشاک سنتی بختیاری ها است.

منابع

۱. صالحی امیری سیدرضا. (۱۳۸۵). مدیریت تنوع قومی مبتنی بر نظریه های سرمایه اجتماعی. راهبرد، ۴۰(۱)، ۳۷-۵۰.
۲. گارثویت، ج. ر.، تاریخ سیاسی اجتماعی بختیاری، ترجمه مهرداد امیری، (۱۳۷۳). انتشارات سهند، تهران.
۳. امان الهی بهداروند اسکندر (۱۳۹۳): پژوهشی درباره پیوستگی قومی و پراکندگی جغرافیایی لرها در ایران، انتشارات آگه، تهران.
۴. آهنجیده اسفندیار (۱۳۸۴)، تاریخ و تمدن بختیاری، انتشارات آهنجیده، تهران.
۵. یارشاطر احسان (۱۳۸۳) تاریخ پوشاک در ایران زمین، انتشارات امیر کبیر، تهران.
۶. اسدی فارسانی، آشوری و داداشی. (۱۳۹۹). بازتاب نموده های فرهنگی در نظام ساختاری و نقوش پوشاک مردان جامعه عشایری. فصلنامه نگره، ۱۵(۵۴)، ۹۵-۱۰۹.
۷. دیگار ژان پیر ترجمه کریمی اصغر (۱۳۵۳) بررسی توزیع چند پدیده فرهنگی در منطقه بختیاری (زاگرس مرکزی)، ترجمه هوشنگ پورکریم، انتشارات مردم شناسی و فرهنگ عامه ایران، تهران.
۸. کبیری فرانک (۱۳۸۶)، تاثیر طبیعت استان چهارمحال و بختیاری بر نقش گلیم و رنگ لباس زنان استان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا (س)
۹. سامانیان باقرصاد ن. (۱۳۹۵) نمادشناسی رقص ایل بختیاری (با تاکید بر دو رقص چوب بازی و چوبی)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد یزد.
۱۰. حیدری نوروزی عباس (۱۳۸۵) از اریانا تا بختیاری، انتشارات سلسله، اهواز.

۱۱. تاجیک محمدرضا (۱۳۸۴) روایت غیرت و هویت، انتشارات فرهنگ گفتمان، تهران
۱۲. فکوهی ناصرو آموسی مجنون. هویت ملی و هویت قومی در کردستان ایران (مطالعه موردی معیشت اقتصادی و تعلق های هویتی نزد جوانان شاغل در اقتصاد غیر رسمی پیرانشهر) (۱۳۸۸)، مجله فرهنگ و جامعه، شماره ۲،
۱۳. توسلی غلامعباس و قاسمی یارمحمد (۱۳۸۱) مناسبات قومی و رابطه آن با تحول هویت جمعی (نمونه مطالعه: ایلام)
۱۴. نصری قدیر (۱۳۸۷)، مبنای هویت ایرانی، مؤسسه مطالعات ملی، انتشارات تمدن ایرانی، تهران
۱۵. نجفی موسی (۱۳۹۲)، هویت شناسی: پیرامون نظریه هویت ملی در ایران و بازتاب آن در فرهنگ، تاریخ و سیاست، انتشارات آرمان
۱۶. حیاتی زهرآ (۱۳۸۶) هویت ایرانی، انتشارات سوره مهر، تهران،
۱۷. مگی ب.، فلاسفه بزرگ، ترجمه عزت الله فولادوند (۱۳۷۲) انتشارات نشر،
۱۸. رجایی فرهنگ (۱۳۸۶)، مشکل هویت ایرانیان امروز، انتشاران نهی، تهران،
۱۹. مونس سرخه مریم (۱۳۹۵) لباس و هویت، ابعاد هویتی در لباس ایرانی، پژوهشگاه مطالعات انسانی و علوم فرهنگی، ش ۱،
۲۰. اسدی فارسانی، مجیدو آشوری محمد تقی (۱۳۹۸). نظام ساختاری پوشاک در ایل بختیاری. نامه انسان شناسی، ۱۵ (۲۷)، ۶۳-۴۱

A study of the identity-oriented clothing design of the Bakhtiari nomads in the new use of settlement.

Abstract

The most obvious cultural sign and the most significant ethnic-national manifestation and sign of any society is its clothing, which is rooted in adherence to traditions and religious beliefs. Therefore, a part of the culture, identity and art of every nation and country can be searched in its clothes. The current research was carried out with the aim of investigating the identity-oriented components of Bakhtiari nomadic clothing and designing clothing based on the mentioned components for the new society based on the life of a settler in today's society, because clothing with such a background is due to the change in people's living conditions, use and identity. It has faced fading and oblivion. For this reason, the necessity of designing clothes with these features becomes more clear. And also, with the conducted investigations, it is hoped that with the new design based on the identity components of Bakhtiari clothing, it will be possible for people whose lifestyle changes have changed their clothing taste. The method of this research is descriptive-analytical and the method of data analysis is qualitative. The results of this research, after examining the various functions of clothing in the living conditions of the Bakhtiari tribe, including customs and identification of identity dimensions in the clothing of these people, show that all the identity dimensions of Iranian clothing can be seen, and the ability to generalize, expand and implement in Today's clothes are combined according to the conditions and use

Keywords: Bakhtiari nomads, clothing, identity, settlement, clothing desig